

حاکمیت پول و سرمایه موجب شده است

سینمای مستقل، در آستانه نابودی

●●● آرزو شادکام

فیلم‌هایی از نوع بازاری می‌شوند، نه فیلمی که برای سینما آبرو و حرمت به همراه دارد، این چنین می‌شود که ۴۶ سینماگر بیانیهای منتشر می‌کنند و به عنوان سینماگران مستقل می‌گویند:

سالن‌های سینما بعضی از فیلم‌های ما را نشان نمی‌دهند و بسیاری از فیلم‌ها با محدودیت به نمایش در می‌آیند؛ و هیچ قانونی از ما پشتیبانی نمی‌کند. جریانی بین ما و شما فاصله انداخته است. این جریان خواستار حاکمیت پول و سرمایه است و هر کس برای این حاکمیت فیلم نسازد، در نمایش عمومی با شگردهای بازاری تنبیه می‌شود. در شرایط کنونی، ملاک برای نمایش عمومی یک فیلم، فیلمساز آبرودار و فیلم آبرومند نیست. می‌خواهند سینمای مستقل را حذف کنند و یا حداکثر لطف کنند و در گلخانه نگه دارند.

تولید فیلم پیدا نمی‌کنند، یا این که فیلم‌هایشان امکان نمایش مناسبی پیدا نمی‌کند که اگر وضعیت به همین سمت و سو پیش برود، دیگر نامی از سینمای ایران نخواهد ماند.

دهه ۷۰ اوج فیلم و سینمای ایران بود. سینماگران ایرانی با فیلم‌هایشان ایران را معرفی کردند و فیلم‌های ساده و صمیمی‌شان از فیلم‌های پرهزینه و پر زرق و برق هالیوودی پیشی گرفت و کار تا جایی پیش رفت که اگر در جشنواره‌ای فیلمی ایرانی حضور نداشت، می‌گفتند که آن جشنواره رونق چندانی ندارد چون ایران و سینمای ایران نیست. این را سینماگران می‌گفتند.

وقتی پای پول و سرمایه در میان باشد، شاید عشق و هنر، از گردونه خارج شود و وقتی سینماداران به عنوان مالک مکانی که قرار است، فیلم‌ها در آن به نمایش در آیند، خواستار نمایش

سینمای ایران همیشه موضوعی برای بحث‌برانگیزی دارد. زمانی توقیف فیلم‌ها، زمانی دیگر ممنوع‌الکار شدن، دستمزدهای نجومی بازیگران، کارگردان‌سالاری، بازیگرسالاری و گاهی هم تهیه‌کننده‌سالاری و حالا همه عوامل سینما، نگران مساله‌ای دیگر شده‌اند. سینمای امروز دیگر حال چندان خوشی ندارد. سینمای امروز بیش از آن چه فکر می‌کنیم، بیمار است. این را سینماگران می‌گویند.

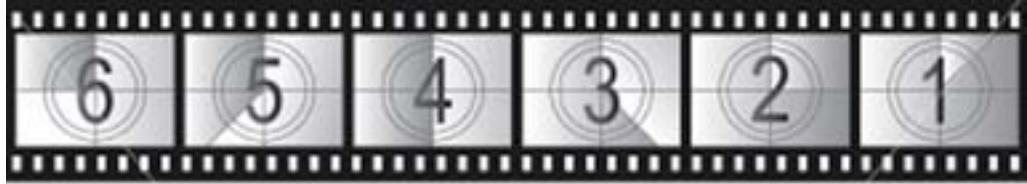
جریان‌ات اخیر که در روند جامعه و جریان‌ات فرهنگی

جریان خواستار حاکمیت پول و سرمایه است و هر کس برای این حاکمیت فیلم نسازد، در نمایش عمومی با شگردهای بازاری تنبیه می‌شود

هم بی‌تاثیر نبوده سبب نوعی دل‌سردی میان هنرمندان شده است. هر چند در سال‌های اخیر این روند، لاک‌پشت‌وار جریان داشت اما امروز آهنگ آن تندتر شده است. سینمای امروز دیگر مستقل به نظر نمی‌آید. این را سینماگران می‌گویند.

اگر نگاهی به فیلم‌های چند سال اخیر بیندازید، اغلب دارای نقطه مشترکی هستند و آن هم ساخت فیلم‌های تجاری است که فقط به ادامه حیات سینما کمک می‌کند نه به ادامه حفظ آبروی سینمای ایران. سینمای کم‌دی، سینمای اجتماعی با چاشنی طنز، سینمای عامه‌پسند که پیامی برای مخاطب امروز ندارد اما فعالان سینما همچنان برای ادامه حیات آن تلاش می‌کنند. در این میان اما سینماگران مستقل که عملاً مایه افتخار و مباهات سینمای ایران به شمار می‌روند، از این گردونه طرد شده‌اند و فرصتی برای





نمی‌کردند که افتتاحیه با تعداد اندکی مخاطب برگزار شود و جشنواره‌ای که همه معتقد بودند علی‌رغم سال‌های کم برگزاری‌اش، جایگاه خود را پیدا کرده اما در حرکتی غافلگیرانه، رونق را از این جشنواره گرفتند و حالا با نام‌های که شمدری به سجادپور نوشته، خواهان پیگیری این موضوع شده است و شاید تشکیل این جلسه، اقدامی باشد برای جلوگیری از تکرار اتفاق جشنواره حقیقت.

واقعیت این است که حالا حتی تهیه‌کنندگان هم به دنبال منفعت بیشتر هستند تا سینمای اسم و رسم‌دار. تهیه‌کننده و سینمادار دو قطب اصلی سینما هستند که دو قطب دیگر یعنی فیلمساز بخشی از مخاطبان را که سینمای عامه‌پسند را نمی‌خواهند، فراموش کرده‌اند. سینمای ایران باید تلفیقی از همه گونه‌های سینمایی باشد. سینمای ایران برای همه است. اما گویا تهیه‌کنندگان هم این را فراموش کرده‌اند. این را سینماگران می‌گویند.

برای رفع این مشکل فقط نمی‌توان به تهیه‌کننده و سینمادار انتقاد کرد، حالا زمانی است که مسوولان سینمایی هم باید برای ادامه حیات و آبروی سینمای ایران کاری انجام دهند. سینمای ایران ترکیبی از سینماگران با نگاه‌های مختلف به مسایل از منظرهای متفاوت است. بنابراین نباید از همه آنها انتظار داشت، تا فیلم کم‌دی بسازند. هر چند کم‌دی هم خود نوعی از سینما است اما همه چیز پول نیست. تعداد سینماهایی که فیلم‌های خاص با مخاطب خاص را هم به نمایش می‌گذارند آن قدر اندک است که فرصت را از مخاطب می‌گیرد. بنابراین بهتر است معاونت سینمایی اقدامی دیگر در جهت رفع این مشکل بیندیشد.



ساخته و با این که در زمان خوبی هم اکران نشد و تعداد اندکی سالن سینما در اختیار داشت، با این حال فروش مناسبی داشت. آنها فراموش کرده‌اند که تعریف بدنه سینما چیست و چه کسانی بدنه سینمای ایران هستند. اصلا بسیاری از تعاریف در سینمای

علاقه‌مندان به سینمای ایران!

ما این فیلم‌ها را برای شما و به عشق شما می‌سازیم. رودرویی مستقیم با مردم حق هر سینماگری است و نیز حق مردم است که فیلم‌های متفاوت ببینند؛ اما انحصارطلبی راه را بسته است.

اگر سازوکار تولید و پخش و نمایش در این سینما اصلاح نشود و اگر در نمایش فیلم‌ها عدالت اقتصادی و فرهنگی اعمال نشود، باید به زودی شاهد حذف سینمای مستقل ایران باشیم.

این‌ها را سینماگران می‌گویند. سینماگرانی چون بهرام بیضایی، رخشان بنی‌اعتماد، ناصر تقوایی، کیومرث پوراحمد، احمدرضا درویش، علی ژکان، کیانوش عیاری، عباس کیارستمی، منیژه حکمت و اصغر فرهادی.

مساله سینمای ایران، فقط اکران نیست و سینمای خسته و رنجور ایران، درگیر مشکلاتی دیگر هم هست. تولید، پخش، اکران و مهم‌تر از همه اصل سینما است که باید به آن توجه شود. در این میان برخی می‌گویند که فیلم‌های این فیلمسازان با مخاطب ارتباط برقرار نمی‌کند و به همین دلیل از این وضعیت گله دارند اما همین افراد فراموش کرده‌اند فیلم‌هایی چون «مرد عوزی» و «مومیایی ۳» را محمدرضا هنرمند ساخته و حالا نامش در میان امضاکنندگان این بیانیه است. این افراد فراموش کرده‌اند فیلم‌هایی را که بهرام بیضایی، احمدرضا درویش و مهدی فخیم‌زاده ساخته‌اند. آنها فراموش کردند فیلم «ببست» را که عبدالرضا کاهانی

سینماگران مستقل که عملاً مایه افتخار و مباحثات سینمای ایران

به شمار می‌روند، از این گردونه طرد شده‌اند و فرصتی برای تولید فیلم پیدا نمی‌کنند

ایران، با برداشت‌های متناقض همراه شده است. آیا ناصر تقوایی بدنه سینما نیست؟ محمد بزرگ‌نیا و ابوالحسن داوودی بدنه این سینما نیستند؟ راستی اصغر فرهادی و ابراهیم فروزش از نظر این افراد کجای این سینما قرار می‌گیرند؟

تکرار اتفاق جشنواره حقیقت

وقتی مستندسازان جشنواره فیلم حقیقت را تحریم کردند، برگزارکنندگان جشنواره هیچ وقت فکر

آیا قانونگذاری همه چیز را حل می‌کند؟

سینما «هنر، صنعتی» پرهزینه است. اما سیر فروش یک فیلم فقط در سینما نیست و اغلب فیلم‌ها نه تنها زبان نمی‌بینند بلکه در مراحل مختلفی که پشت سر می‌گذارند، به سود هم می‌رسند. اکران فیلم، فروش امتیاز، نمایش سینمای خانگی، فروش امتیاز نمایش برای تلویزیون و اگر اکران خارجی هم داشته باشند، به بازگشت سرمایه‌شان کمک می‌کند.

بنابراین سینماگران، مولف و کسانی که سبب معرفی سینمای ایران در دنیا شده‌اند را فراموش کرد. سینمای ایران با توجه به آنچه در دنیای امروز به عنوان امکانات سینمایی وجود دارد، از توان ضعیفی برخوردار است اما نگاه معرفتی و ساده آنان به زندگی را نباید از نظر دور داشت ولی ای کاش برای همه چیز به دنبال قانون نبودیم. همان گونه که معاونت سینمایی در نامه‌ای خطاب به سجادپور، خواستار نوعی قانون‌گذاری شده است. اما آیا قانون‌گذاری همه چیز را حل می‌کند؟